

## گفتمان‌شناسی شعر پست‌مدرن ایران

قدسیه رضوانیان<sup>۱</sup> و احمد خلیلی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

برآمدن پست‌مدرنیسم به‌منزله جنبشی فکری و بروز رویکرد رادیکال آن، پیامد سرخوردگی جامعه اروپایی از دستاوردهای مدرنیته است. منتقدان نتیجه واقعی عقلانیت مدرن را، دنیایی بحران‌زده، سردرگم، مشحون از خشونت و پیش‌بینی‌ناپذیر می‌دانند. این جنبش در طول چند دهه به جریانی جهانی تبدیل شد. ایران نیز از دهه ۴۰ چهل، تحت تأثیر آن قرار گرفت. یکی از حوزه‌های متأثر این جنبش، شعر فارسی است که البته به‌طور مشخص، جریان شعر پست‌مدرن، با این عنوان، از دهه ۷۰ هفتاد در ایران مطرح شد و مورد توجه بسیاری از شاعران قرار گرفت. اما غالب منتقدان این جریان را تقلیدی از شعر غرب و کاملاً تصنعی دانسته و عقیده دارند این نوع شعر به‌خاطر ریشه نداشتن در فرهنگ و جامعه ایرانی اصالت ندارد. در این مقاله نویسندگان، با روشی توصیفی-تحلیلی، با استفاده از نظریه گفتمان، تلاش کرده‌اند که نشان دهند همه آن اصولی که گفتمان‌شناسی درباره تأثیر عوامل بیرونی مانند فرهنگ، سیاست، اقتصاد و... برای ایجاد متن ادبی خاص بیان می‌کند، درباره شعر پست‌مدرن ایران نیز صدق می‌کند، زیرا موضوعی به این اهمیت را از طریق تزریق ترجمه یا تقلید صرف نمی‌توان به‌طور مکانیکی و تصنعی به‌وجود آورد. حتی در صورت ایجاد نیز به جریان فراگیری که امروز هست تبدیل نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: پست‌مدرنیسم، شعر پست‌مدرن ایران، گفتمان‌شناسی.

پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۸

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

### مقدمه

از نیمه دوم قرن بیستم جنبشی در عرصه هنر، فلسفه، سیاست و ادبیات در اروپای غربی آغاز

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران  
Ghrezvan@umz.ac.ir

۲. دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)  
Ahmad\_khalili64@yahoo.com

شد که به جنبش پست‌مدرنیسم شهرت یافت. مهم‌ترین ویژگی این جنبش، نگرشی سرشار از شور و جنون نسبت به زندگی و نگاهی نسبی به دنیا در برابر نگاه سرد و خردمندانه و ریاضی‌وار عصر مدرنیسم نسبت به انسان و جامعه بود. با رشد روزافزون مدرنیته در قرن بیستم و بروز نتایجی چون بحران‌های معرفتی، نسبیت‌انگاری، گسست‌های اجتماعی، فروپاشی بنیان خانواده، بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی، جنگ‌های جهانی و کشتارهای عمومی، بحران‌های هسته‌ای، بی‌هویتی و از خود بیگانگی و ده‌ها درد نگران‌کننده دیگر، موجب شد تا در پایان نیمه دوم قرن بیستم، در دنیای غرب موج جدیدی به نام «پست‌مدرنیسم» به وجود آید که علیه مطلق‌نگری و خردبستگی انسان مدرن زبان به اعتراض گشاید. این جنبش فکری در طول چند دهه به جریانی جهانی تبدیل شد و سراسر اروپا و آمریکا را فراگرفت. ایران نیز از دهه‌های چهل به این سو، تحت تأثیر این جریان قرار گرفت. گسترش رسانه‌های جمعی، اینترنت، ماهواره، گپ‌سراها، نوع خوراک و پوشاک و... نشانه‌هایی از وضعیت پست‌مدرن در ایران است. ادبیات، نیز همچون همیشه برآیندی از جنبش‌های فکری و فرهنگی موجود و بخشی از فرایند پست‌مدرنیسم است. اما، این جریان همواره مورد نقد تخطئه‌آمیز منتقدان حوزه شعر بوده است و اغلب بر آن بوده‌اند که این ژانر نوپدید نه محصول موقعیت گفتمانی، بلکه برآیند ترجمه و تقلید است. از آنجا که تغییرات بنیادین در اشکال و روش‌های ادبی و هنری در نتیجه دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی و فرهنگی است، این جستار نیز درصدد است تا نشان دهد تمام گفتمان‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی حاکم در ایران در این چند دهه، در پیدایش جریان شعر پست‌مدرن ایران تأثیر داشته و موضوعی به این اهمیت را نمی‌توان از طریق تزریق ترجمه یا تقلید به طور مکانیکی و تصنعی به وجود آورد.

### پیشینه پژوهش

در باب پیشینه این بحث، تحقیقی با این رویکرد در گفتمان‌شناسی شعر پست‌مدرن ایران انجام نگرفته است. اما در بررسی اشعار پست‌مدرن ایران، آثاری با رویکردهای متفاوت به نگارش درآمده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

طاهری (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «پست‌مدرنیسم و شعر معاصر ایران» به بررسی جریان شعر پست‌مدرن به منزله یکی از جریان‌های شعری مطرح در آن دوران پرداخته است. نگارنده در این مقاله بدون توجه به گفتمان‌شناسی پیدایش این نوع شعر، بیشتر به ویژگی‌های کلی آن، یعنی محتوا، تخیل، ساختمان، موسیقی و زبان پرداخته و در نهایت نتیجه گرفته است که این جریان شعری، گسستی کامل از فرهنگ کلاسیک شعر فارسی دارد.

دستغیب (۱۳۸۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «پست‌مدرنیسم در شعرهای باباجاهی» اعتقاد دارد جریان شعر پست‌مدرن، جریانی سازگار با روح زمانه کنونی است اما به تحلیل جامعه‌شناختی و گفتمان‌شناسی این نوع شعر اشاره‌ای نمی‌کند.

### فرضیه پژوهش

چنین به نظر می‌رسد که می‌توان برخی رخدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... مؤثر در پیدایش وضعیت پست‌مدرن در مغرب زمین را در گفتمان‌های حاکم بر ایران نیز مشاهده کرد. پنداشت این پژوهش این است که شعر پست‌مدرن ایران تقلید و ترجمه صرف از غرب نیست، بلکه نتیجه گفتمان‌های حاکم بر ایران است و مؤلفه‌های این نوع شعر، با گفتمان‌های اجتماعی، فرهنگی و... حاکم بر ایجاد آن ارتباط کامل دارد. البته بدیهی است که تأثیرپذیرفتگی از فرهنگ جهانی، به‌ویژه غرب، انکارناپذیر است.

### روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی تحلیلی-توصیفی به گفتمان‌شناسی شعر پست‌مدرن ایران می‌پردازد. بدین منظور ابتدا مطالعات مقدماتی در زمینه نظریه‌های گفتمان، پست‌مدرنیسم و ریشه‌یابی پیدایی این جریان انجام می‌گیرد. سپس، با تحلیل اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از دهه چهل به این سو، ریشه‌های پیدایش این جریان در ایران با غرب مقایسه می‌شود. در نهایت، با استخراج مؤلفه‌های پست‌مدرنیستی در شعرهای شاعران این جریان و ارتباط آن با گفتمان‌های حاکم بر جامعه نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد.

### چارچوب نظری

#### گفتمان‌شناسی

واژه گفتمان به معنی گفت‌وگو، محاوره و سخنرانی است. این واژه، ریشه در زبان لاتین دارد و از ریشه فعلی طفره رفتن، از سر باز کردن و... گرفته شده است (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴). این واژه مفهومی است میان‌رشته‌ای که در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی چون زبان‌شناسی، تاریخ، فلسفه، نقد ادبی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و... کاربرد دارد. اصطلاح «تحلیل

گفتمان<sup>۱</sup> نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی، زلیک هریس<sup>۲</sup>، به کار رفت. هریس در آن مقاله دیدی صورت‌گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه به جمله و متن برشمرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). براون و یول (۱۹۸۳: ۱۸) از دیگر کسانی بودند که به تعریف تحلیل گفتمان پرداختند. از دیدگاه آنان تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است.

اما این اصطلاح صرفاً در زبان‌شناسی متوقف نماند. اقبال و توجه رشته‌های مختلف به این حوزه مطالعاتی باعث شده است که گفتمان و تحلیل گفتمان، دارای معناهای متفاوت در حوزه‌های مختلف باشد. پس از دیدگاه‌های سنتی نسبت به تحلیل گفتمان، زبان‌شناسان بعدی از صرف پرداختن به خود متن در تحلیل‌ها فاصله گرفتند و علاوه بر تحلیل متن به مطالعه بافت موقعیتی آن نیز روی آوردند. این‌گونه رویکرد تحلیل گفتمان را شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی می‌داند که نتیجه این رابطه است و به جای توجه صرف به عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به عوامل بیرون از متن، یعنی زمینه‌های موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی توجه داشت. بنابراین، رویکرد جدید، تحلیل گفتمان، مطالعه شرایط اجتماعی و فرهنگی را، که متن تحت تأثیر آن‌ها تولید می‌شود، نیز در کنار مطالعه خود متن بررسی می‌کند و هدف آن، این است که نشان دهد، زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربرد زبان و ارتباطات چگونه بر محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌های متن اثر می‌گذارند (ون‌دایک، ۱۳۷۹: ۲۷).

تحلیل‌گران تحلیل گفتمان انتقادی معتقدند که تولید، فهم، خوانش و تحلیل متون به عواملی چون بافت خرد و کلان اعم از مسائل فلسفی، تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژیکی وابسته است، چرا که رابطه بین مردم و جامعه به صورت دل‌خواهی نیست، بلکه توسط نهادهای اجتماعی و دیگر عوامل دخیل در گفتمان تعیین می‌شود و متون ادبی هر دوره نیز در بافت خاصی تولید، تحلیل و تفسیر می‌گردد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷). از دیدگاه آنان، گفتمان‌شناسی باید متون را تحلیل کند و بگوید چهره زیرین این متون چیست. کالبد شکافی کند و بگوید چه عوامل و شرایطی در ایجاد این نوع متون تأثیرگذار بوده است.

1. Discourse analysis
2. Z.Herri

### پست‌مدرنیسم

در مورد مفهوم پست‌مدرنیسم چه از جهت معنای اصطلاحی و چه به جهت پیدایش زمانی، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. به اعتقاد برخی، این وضعیت در توالی دنیای مدرن و پیشرفت‌های آن است (Feket, 1987:184). در مقابل بیشتر محققان آن را جریانی مقابل مدرنیسم و در جهت نقد آن می‌دانند. به نظر آن‌ها گرچه دنیای مدرن همواره از پیشرفت، عقلانیت و آزادی حرف می‌زد و ادعای بروز آن را داشته اما آسیب‌شناسی آن چیز دیگری می‌گوید، چرا که پیامدهایی چون جنگ، بحران، خشونت، بی‌هویتی و ... را در پی داشته است.

پست‌مدرنیسم جریانی ویرانگر و تهاجمی است که به نظر قصد دارد روش‌های تازه‌ای برای زیستن، تفکر و وجود بیافریند. اما هیچ تعریف کوتاهی رساننده گستره و ژرفای پست‌مدرنیسم نیست، زیرا این اصطلاح دچار نوعی بی‌ثباتی معنایی<sup>(۱)</sup> است و هیچ اتفاق نظر آشکاری درباره معنای آن در میان نظریه‌پردازان وجود ندارد. به عقیده مک‌هیل<sup>۱</sup> هر تفسیری از پست‌مدرنیسم دیدگاه‌های متفاوتی را در خودش منعکس می‌کند که هر کدام از این دیدگاه‌ها بیش از دیگری اشتباه یا درست نیست. مثلاً پست‌مدرنیسم جان بارت، ادبیات غنی‌سازی است، یا لیوتار<sup>۲</sup>، شرایط کلی دانش در جامعه معاصر و از دست رفتن کارکرد فراروایت‌ها را به عنوان مشخصه پست‌مدرن معرفی می‌کند. یا نیومن<sup>۳</sup> اقتصاد تورمزده را ویژگی پست‌مدرن می‌داند و جیمسون<sup>۴</sup> نیز سلطه فرهنگ سرمایه‌داری را مشخصه دوران پست‌مدرن اعلام می‌کند (Hutcheon, 2002:11). با وجود این، برجستگی عمده وضعیت پست‌مدرن را می‌توان در نوعی بحران معرفتی دانست؛ چرا که تمامی فلاسفه غربی از افلاطون به بعد، ادعای جست‌وجوی حقیقت و شناخت آن را کرده‌اند، اما اندیشمندان پست‌مدرن، حقیقت را نه قابل حصول و نه مطلوب می‌دانند و از منظر آن‌ها، واقعیت ثابت، واحد و پایدار بی‌معناست. از نظر آن‌ها، همه چیز نسبی، اعتباری و قراردادی است. حقیقت‌ها مختلف، متکثر و متنوع و محصول قراردادهای زودگذرند. به همین دلیل، پست‌مدرنیست‌ها تعمد دارند آشوب‌زدگی و ازهم‌گسیختگی زندگی را به ادبیات تسری دهند. به اعتقاد ایشان، دنیای معاصر واجد وحدت و انسجام نیست، بلکه چندپاره و متشتت است و بهترین شکل پرداختن به این دنیای متشتت،

1. B. McHale
2. J. Lyotard
3. Ch. Neiman
4. F. Jameson

نوشتن آثاری است که خود از قطعات چندپاره و ظاهراً نامرتب و بی‌معنا تشکیل شده باشد (پاینده، ۱۳۹۰: ۳۱).

با وجود دیدگاه‌های مختلف درباره چگونگی جنبش پست‌مدرنیسم، درباره ریشه‌های ایجاد این جنبش میان متفکران اشتراک نظر وجود دارد و بیشتر آن‌ها سرچشمه عمده پست‌مدرنیسم را در تغییر و تحولات علمی، فلسفی، اجتماعی و فرهنگی قرن بیستم می‌دانند. به نظر آنان عواملی چون پیشرفت در فیزیک کوانتومی، نظریه نسبیت، اصل عدم قطعیت، رواج مکاتیبی چون هرمنوتیک و نظریات ساختارشکنی (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۸۴)، عوامل سیاسی و اجتماعی مانند جنگ‌های پیاپی و وحشتناک، حرکت‌های نژادپرستی، رواج فمینیسم و عوامل اقتصادی چون تعارض سرمایه‌داری و بحران‌های ناشی از آن، رکود اقتصادی، بیکاری، ریشه‌های فرهنگی چون هویت‌های متکثر، سبک زندگی، رسانه‌ها، فضای مجازی (Goulby And Janes, 1996: 173) از جمله گفتمان‌های ظهور جنبش پست‌مدرنیسم محسوب می‌شوند. وقایع یادشده به وضوح نشان می‌دهد که پست‌مدرنیسم در دوره و زمانه‌ای توفانی ظهور کرد؛ زمانه‌ای که بهترین تعبیر برای آن «بحران همه‌جانبه» بود. چنان‌که آیزانا برلین<sup>۱</sup> قرن بیستم را وحشتناک‌ترین قرن تاریخ غرب می‌داند و تروتسکی<sup>۲</sup> می‌نویسد: کسی که در جست‌وجوی یک زندگی آرام بود نباید در قرن بیستم به دنیا می‌آمد (زرشناس، ۱۳۸۱: ۶).

### گفتمان پست‌مدرن در ایران

اکنون پست‌مدرنیسم در ایران در مقام «مکتب فکری» همان جایگاه رفیعی را یافته است که در چند دهه آغازین این قرن، مدرنیسم بدانجا رسیده بود. مجموعه رو به رشد محصولات فکری در ایران و نیز در میان ایرانیان خارج از کشور نشان‌دهنده نزدیکی آن‌ها با پست‌مدرنیسم است. در این میان، طیف متنوعی از محققان، روشنفکران، سیاست‌مداران و جزآن برای توجیه مجموعه دیدگاه‌های متناقض از پست‌مدرنیسم بهره گرفته‌اند. در نوشته‌ها و بحث‌هایی که پیرامون پست‌مدرنیسم در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی در گرفته است، اغلب به سه شکل با مقوله پست‌مدرنیسم برخورد می‌شود: اول، برخورد انفعالی که نشانه پذیرفتن بی‌چون و چرا و تکرار طوطی‌وار واژگان و شعارهای پست‌مدرن است. دوم، برخورد انکارآمیز و گریزنده‌ای که یکسره

1. I. Berlin
2. L. Trotsky

اعتقاد بر نادیده گرفتن پست‌مدرنیسم دارد. سوم، برخورد انتقادی و علمی که می‌خواهد پنجه در پنجه این پدیده تازه بیفکند و از عمق آن سر در آورد (قره‌باغی، ۱۳۸۰: ۱۳). گروهی که آن را با دیده انکار می‌نگرند آن را تقلیدی صرف از غرب می‌دانند و اعتقاد دارند این فرهنگ وارداتی با جامعه سنتی ایرانی تطابق ندارد.<sup>(۲)</sup> البته، به نظر می‌رسد دلیل اصلی مخالفت این گروه، جهت‌گیری‌های سیاسی و ایدئولوژیکی است. آنان نسبت به وضع موجود سیاسی و اجتماعی کشور معترض و خواهان نیل به ارزش‌های مدرنی‌اند چون آزادی، دموکراسی، رعایت حقوق فردی و جزآن. به همین دلیل اعتقاد دارند «اندیشه‌های پست‌مدرن ما را به آن چنان نسبی‌گرایی و بی‌بنیادی می‌کشاند که هرگونه کنش اجتماعی را از ما سلب کرده نهایتاً سبب می‌شود ما به واقعیت سلطه در نظام‌های کنونی تن در دهیم» (عبدالکریمی، ۱۳۸۹: ۲). برخی نیز بر این باورند که تا وقتی مدرنیته را سپری نکنیم، نمی‌توانیم پست‌مدرنیسم را تجویز کنیم. به نظر آنان ما در عرصه‌های اجتماع، سیاست و جزآن به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که به هیچ وجه به جامعه مدرن مربوط نیست. در چنین جامعه‌ای نمی‌توان از صورت‌بندی پست‌مدرنیسم سخن گفت اما بنا بر گفته لیوتار که «برای مدرن بودن ابتدا باید پست‌مدرن بود»، و نیز با توجه به معرفی کسانی چون جوپس و الیوت به عنوان هنرمندان پست‌مدرن، این نتیجه حاصل می‌شود که برای پست‌مدرن شدن لزوماً نباید مدرن بود.<sup>(۳)</sup>

در مقابل این گروه، برخی نیز به دفاع جدی از اندیشه‌های پست‌مدرن می‌پردازند و اعتقاد دارند ایران در دهه‌های چهل و پنجاه به این سو، دهه‌هایی سرشار از دگرگونی پرتب و تاب را پشت سر گذاشته و معیارها و ارزش‌های هنری زیر و رو شده و فضایی پدید آمده است که می‌توان آن را شرایط پست‌مدرن تعبیر کرد. «هرچند ما هنوز به آن درجه از مدرنیسم نرسیده‌ایم، ولی بعضی از بحران‌های آن جنبه جهانی دارد و برای تمام بشریت امروز مطرح است. مثلاً بحران محیط زیست چیزی نیست که ما گرفتار آن نباشیم یا همین‌طور بحران تکنولوژی» (جهانگلو، ۱۳۷۲: ۵). به نظر این گروه، پست‌مدرنیسم جریانی جهانی است و ناچار هر جامعه‌ای تحت تأثیر آن در این وضعیت به سر می‌برد و نشانه‌های آن در همه‌جا دیده می‌شود. گسترش رسانه‌های جمعی، اینترنت، ماهواره، گپ‌سراها، نوع خوراک و پوشش همه و همه نشانه‌هایی از وضعیت پست‌مدرن در ایران است. آنان اعتقاد دارند رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این چند دهه سبب شده تا اندیشه‌هایی چون عدم قطعیت، خردگرایی، نسبی‌گرایی و نهیلیسم که از مؤلفه‌های اصلی جریان پست‌مدرنیسم است در ایران پدید آید که بازتاب آن را در هنر، سینما و به ویژه ادبیات می‌توان مشاهده کرد.

## ریشه‌ها و زمینه‌های پیدایش گفتمان پست‌مدرن در ایران

مطابق آنچه محققان پست‌مدرنیسم در غرب گفته‌اند و این جنبش را مولود دوره‌ای طوفانی معرفی کردند که طی آن مبانی فرهنگی و اجتماعی عصر جدید شکل گرفت، دوره‌ای که تعبیر «بحران همه‌جانبه» را برای آن به کار بردند، چنین بحران و شرایط ناآرامی در این چند دهه در ایران نیز قابل ردیابی است. در ادامه به مهم‌ترین گفتمان‌هایی اشاره می‌کنیم که جامعه ایرانی را به صورت‌بندی پست‌مدرن نزدیک کرده و از مطلق‌نگری و تک‌بعدی بودن مدرنیسم جدا ساخته است.

### گفتمان‌های فکری - عقیدتی

از آغاز جنبش مشروطه تا دهه ۱۳۴۰، انگاره‌های مدرن و نهادهای دنیای مدرن در نظر روشنفکران ایرانی مطلوب می‌نماید. در این دوره، روشنفکران فکری چون ملک‌خان و آخوندزاده کم و بیش نسبت به مدرنیته نگاهی مثبت و پذیرا دارند و سعی می‌کنند مبانی این مکتب را در ایران پیاده‌سازند. در مقابل از دهه‌های چهل، به تدریج مدرنیته در نگاه نحلّه‌هایی از روشنفکران و فیلسوفان، به‌ویژه روشنفکران دینی، به صورت امری معضل‌آفرین مطرح می‌شود و در معرض بررسی نقادانه قرار می‌گیرد. این روشنفکران با آثار خود به مبارزه با جزم‌اندیشی و مطلق‌بینی مؤلفه‌های مدرنیسم می‌پردازند و نارضایت‌مندی و بحران دوره خود را ثمره آن فرض می‌کنند. از جمله این روشنفکران می‌توان به شریعتی، سروش، داوری و شایگان اشاره کرد که در ادامه به اندیشه‌های برخی اشاره می‌شود.

یکی از اندیشمندانی که آرای او در ارتباط نزدیک با پیشروان پست‌مدرنیسم چون نیچه و لیوتار قرار دارد، به نظر می‌رسد، علی شریعتی باشد. اندیشه‌های شریعتی تاکنون در دو قطب سنت‌گرایی یا نوگرایی تفسیر و نقد شده و با معیارهای یکی از این دو گفتمان ارزیابی شده است. اما هیچ یک از این دو گفتمان توانایی تبیین اندیشه‌های ذوابعاد شریعتی را ندارد. هر یک از این دو گفتمان به نحوی به قربانی کردن اندیشه‌های او می‌پردازند (عبدالکریمی، ۱۳۸۵: ۶۴). به اعتقاد قانع‌راد، شریعتی «نه یک اندیش‌مند سنتی و نه یک متفکر مدرن، بلکه یک منتقد پسامدرن بود» (قانع‌راد، ۱۳۸۵: ۱۴).

یکی از مهم‌ترین نظریاتی که اندیشه‌های شریعتی را به متفکران پست‌مدرن نزدیک می‌کند، انتقاد او از روایت عقل و علم مدرن است. این موضوع یکی از اصلی‌ترین نظریات پست‌مدرن‌هایی چون نیچه، فوکو و لیوتار بود. فوکو در آثار خود به نبرد با خردباوری مدرن



پرداخت، «عقل و عاقل را یک‌جا ایدئولوژی مدرنیته شناخت که دستاوردهای جامعه جدیدند. در روزگار پیشامدرن نه عاقل آن اعتبار و اقتداری را داشت که امروز در ایام مدرن دارد و نه انسان در کل چیزی به حساب می‌آمد» (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۱۲). لیوتار نیز در تعریف پست‌مدرنیسم آن را «ایمان نیاوردن به فراروایت‌ها» می‌داند. به عقیده لیوتار ویژگی زندگی اجتماعی معاصر این است که نسبت به فراروایت عقل در راه بردن جامعه به سوی جامعه بهتر، بی‌ایمان شده است. بر این اساس بزرگ‌ترین میراث مدرنیته، یعنی فراروایت ترقی و عقل، که به مثابه حقایق علمی تقدیس می‌شود، تکفیر می‌شود (نصری، ۱۳۸۵: ۱۱). شریعتی نیز در تحلیل خود از علم مدرن، به این انگاره پسامدرن نزدیک می‌شود. از نگاه شریعتی علم مدرن چیزی نیست جز پیامد عقلانیت حسابگر، چرا که این نوع عقلانیت واقعیات را آن‌چنان کنار هم می‌چیند که به هدف مشخصی برسد. بدین ترتیب، در واقعیت‌نمایی علم جدید شک و تردید می‌کند. این نکته بسیار شبیه شک متفکران پست‌مدرن به مشروعیت علم مدرن است.

نکته دیگر اینکه شریعتی بر «جغرافیای حرف» بسیار تأکید می‌ورزد و عقیده دارد که نظریه‌ها و اندیشه‌ها مبنای خود را از شرایط سیاسی، اجتماعی و تاریخی خود برمی‌گیرد. به تعبیر دیگر شریعتی به وجود معنای ثابت و لایتغیر برای مفاهیم اعتبار قائل نیست و معنای سخن را در ارتباط با عوامل بیرونی و شرایطی می‌داند که وی از آن‌ها به جغرافیای حرف تعبیر می‌کند. این طرز تلقی شباهت‌های زیادی به اندیشه‌های هرمنوتیک و پست‌مدرن معاصر دارد که وجود هرگونه معنای نهایی برای متن را انکار می‌کند (عبدالکریمی، ۱۳۸۵: ۶۸). این اندیشه‌های شریعتی هم‌سو با تکثرگرایی مستتر در اندیشه‌های پست‌مدرن قلمداد شود. «او با تجارب متنوعی که پشت سر می‌گذارد، این توانایی را به دست می‌آورد که خود را از یک قالب خاص خارج کند و آمیزه‌ای بازتعریف شده از سرمشق‌های متفاوت را به صورت ترکیبی و منسجم ارائه نماید»<sup>(۴)</sup> (پدرام، ۱۳۸۲: ۱۴۲). اکنون پس از گذشت چند دهه از مرگ شریعتی، گفتمان‌های اجتماعی و مذهبی جوانان ایرانی تا حدود زیادی متأثر از اندیشه‌های اوست. این تأثیر عمیق را می‌توان در مذهب، فلسفه و ادبیات دهه‌های معاصر ملاحظه کرد.

یکی دیگر از این متفکران، عبدالکریم سروش است. سروش بعد از انقلاب ۱۳۵۷ با نوعی روش دگردیسی گفتمان جدید دینی، به طرح پرسمان‌های فلسفی و دین‌شناسانه پرداخت. او با نگرش انتقادی به معرفت دینی و تفکیک آن از دین، قرائتی معرفت‌شناسانه از تفکر دینی عرضه داشت و بر پایه دانش هرمنوتیک به سیالیت معرفت دینی در مقابل ثبات دین می‌رسد. سروش در طرح مسئله شریعت تأکید می‌کند که «هیچ فهمی از شریعت قدسی و نهایی نیست؛

چرا که در معرض تغییر و بازنگری است» (سروش، ۱۳۷۱: ۹۹). او با این نگرش به نوعی پلورالیسم دینی می‌رسد که به اصول پست‌مدرنیسم نزدیک است. «اگر پست‌مدرنیسم به یک مذهب و ایمان پای‌بند باشد، آن پلورالیسم یا چندگانه باوری است. پست‌مدرنیسم، چندگانه باوری را همچون تعصب مذهبی در رویارویی با هرگونه مفهوم مطلق "حقیقت" یا "اختیار" به کار می‌گیرد» (قره‌باغی، ۱۳۸۰: ۲۲۱). سروش، وجود فهم‌های مختلف از متون دینی را دلیل بر قرائت‌پذیری تکثرگرایی متون دینی می‌داند. به نظر او نمی‌توان تفسیر معینی از یک متن را تنها تفسیر درست و معتبر دانست. این اندیشه‌ها او را به نسبت‌گرایی، که یکی از مؤلفه‌های اساسی پست‌مدرن است، در حوزه دین و معرفت می‌کشاند.

برخی استدلال می‌کنند که موضوعات مطرح شده در حوزه معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سروش، در بدنه فکری جامعه نفوذ می‌کند و بعد از آن در سطحی وسیع‌تر و در مراتبی نازل‌تر در جامعه سیاسی و در میان طبقات متوسط شهری جاری می‌شود و گسترش می‌یابد (امیری، ۱۳۸۶: ۵۴).

یکی دیگر از اندیشمندانی که آرای او از نظریات پست‌مدرنیست‌ها تأثیر زیادی پذیرفته، رضا داوری است، به گونه‌ای که به عقیده برخی، داوری از نخستین اندیشمندان پست‌مدرنیسم در ایران است (پدرام، ۱۳۸۲: ۸۹-۱۰۱). به عقیده داوری «پست‌مدرن یک امر صرفاً تمدنی نیست بلکه یک وضع فکری و تاریخی است. به عبارت دیگر مسئله، مسئله واقعیت مادی پست‌مدرن نیست. پست‌مدرن بیشتر در تفکر و در روحیه مردمان ظاهر شده است و شأن نفی در آن غلبه دارد. در واقع، اعتقادی که غرب و مدرنیته را ساخته، متزلزل شده است» (داوری، ۱۳۷۵: ۱۰۵). او بارها دل‌بستگی خود را به هایدگر و نقد او از عقلانیت ابزاری علم جدید و تکنولوژی را در آثار خود منعکس کرده است (پدرام، ۱۳۸۲: ۹۹). دامنه تأثیرات نوشته‌های او، موجی از اندیشه‌های پست‌مدرنیستی را در میان شاگردان او به راه انداخته است که می‌توان آن را یکی از گفتمان‌های حاکم دهه‌های بعد از انقلاب دانست.

### گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های شکل‌گیری گفتمان پست‌مدرن در ایران، رخداد‌های سیاسی و اجتماعی است که به ویژه از دهه شصت به این سو، در ایران اتفاق افتاده و در ایجاد فضای فکری پست‌مدرن در جامعه ما بسیار مؤثر بود.

از مهم‌ترین گفتمان‌های سیاسی بعد از انقلاب گفتمان دوم خرداد بود. دوم خرداد، فرجام و

آغاز تحولی واسازانه و شالوده‌شکنانه در جامعه ما بود. فرجام بود زیرا ریشه تاریخی داشت و دفعته پدید نیامده بود. آغاز بود زیرا جامعه ما را در معرض زنجیره‌ای از تغییراتی بدیع قرار داد و مشرب و سویه‌ای واسازانه داشت (قبادزاده، ۱۳۸۱: ۱۱). شیفتگی به غرب، شادی‌های جدید، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، روابط باز در رفتارها و برخوردهای جنس‌های مختلف، تغییرات در کیفیت گذراندن اوقات فراغت و جزآن جلوه‌هایی از تغییرات اجتماعی ایجاد شده در جامعه ما بود که بعد از غلبه گفتمان دوم خرداد و آمدن خاتمی در ایران حاکم شد.

خاتمی، نخست معتقد بود که در جامعه کنونی ما، صداهای مختلفی وجود دارد. دوم، تک‌صدایی را به مثابه آفتی امنیتی تحلیل می‌کرد: «بدترین جوامع، جامعه‌های تک‌صدایی هستند؛ چون انسان‌ها به صورت طبیعی مختلف‌اند و اختلاف نظر دارند» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۰۱). او با چنین نگرشی و در آمیختن صداهای مختلف، فضای جامعه را از تک‌بعدی بودن خارج و حال و هوای تکثرگرایانه پست‌مدرنیستی بخشید. «او با به رسمیت شناختن تکثر و واگرایی در عرصه جامعه، در اندیشه یافتن انتظامی برای پیوند این مجموعه متنوع و متکثر بود» (همان: ۱۱).

اما شاید مهم‌ترین دلیلی که بتوان فضای جامعه پست‌مدرنیستی را در آن دهه‌ها ادعا کرد، گفتمان «گفتگوی تمدن‌ها» یا به اعتبار دیگر موضوع تبادل فرهنگی خاتمی بود، چرا که اصولاً برای گفت‌وگوی فرهنگی، شرایطی چون پذیرش تکثر، به رسمیت شناختن فرهنگ‌های گوناگون و فرهنگ‌های در اقلیت، و حاشیه و فرع لازم است. «اصولاً پست‌مدرنیسم با نسبیت‌باوری و ارزش دادن به مسائل قومی و فرهنگی جوامع مختلف، امکان تبادل فرهنگی را بهتر میسر می‌کند... جامعه امروزین ما در زمینه گفت‌وگوی تمدن‌ها قدم گذاشته است و تنها در تفکر پست‌مدرن می‌تواند جایی برای گفت‌وگو و تبادل فرهنگی بیابد»<sup>(۵)</sup> (درجزی، ۱۳۸۲: ۴۵). با چنین نگرشی می‌توان ادعا کرد جامعه ما در دهه هفتاد رنگی پست‌مدرن به خود گرفته بود.

یکی از شاخصه‌های اجتماعی وضعیت پست‌مدرن، کثرت بروز اندیشه‌های زن‌محور است. «این دیدگاه، مدرنیسم را به شدت پدرسالارانه می‌داند و پست‌مدرنیسم را یک پیروزی سیاسی بر زیبایی‌شناسی و فرهنگی می‌یابد که همواره زیر سیطره مردان بوده است» (قره‌باغی، ۱۳۸۰: ۲۰۶). یکی دیگر از تحولات اجتماعی در عصر پست‌مدرن بروز پدیده فمینیسم قوی است. گرچه مبارزات زنان برای برابری حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی خود، تاریخی دراز دارد، فمینیسم در معنای امروزی آن مرهون از هم پاشیدگی تناقض و تفاوت‌ها در عصر فرامدرن، به ویژه دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی در اروپاست. در شرق، به ویژه جهان اسلام اولین نظام

سیاسی‌ای که در آن زنان با حفظ شئون سنتی هم‌پای مردان نقش داشته‌اند ایران بوده است (جاوید، ۱۳۸۵: ۷۶). با نگاهی به تاریخ دهه‌های بعد از انقلاب، ترقی حقوق زنان در ایران مشهود است. زنان که با نقش‌آفرینی در زمان انقلاب، سپس جنگ تحمیلی به سرعت زمینه‌های تغییر جایگاه خود را فراهم کرده بودند، با غلبه گفتمان دوم خرداد به عرصه‌های بازتری گام نهادند. «خاتمی این را مطرح کرد که زنان هم مثل مردان قابلیت‌ها و توانایی‌های انجام مسئولیت‌های بزرگ را دارند و افرادی در میان آنان هستند که می‌توانند تصدی امور مهمی را به عهده بگیرند و نباید آنان را در انزوا قرار داد» (کاویانی، ۱۳۷۸: ۲۱۸). این شعار از سوی زنان با استقبال زیادی روبه‌رو شد و فرصتی برای آنان به وجود آمد تا نشان دهند توانایی حضور در جامعه را دارند. آمارها درباره حضور زنان در متن حرکت‌های اجتماعی این دوره، نشان‌گر تصدیق این ادعاست.

از دیگر ریشه‌های ایجاد گفتمان پست‌مدرن در ایران، می‌توان به بحران‌های اجتماعی اشاره کرد. همچنان که متفکران پست‌مدرنیسم عقیده دارند که این مکتب، ثمره نارضایتی و شرایط بحرانی دوران است، با نگاهی گذرا به اکثر ابعاد اجتماعی ایران می‌توان این نارضایت‌مندی را در زندگی مردم ایران مشاهده کرد. نتایج آمار وزارت ارشاد اسلامی در ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که بسیاری از مردم از مشکلات اجتماعی در عرصه‌های مختلفی چون چنددستگی در جامعه، پارتی‌بازی، اعتیاد، ظلم و ستم، طلاق، بی‌بند و باری، تبعیض، و دزدی ناراضی‌اند (تاجیک، ۱۳۸۵: ۱۲۲). تمام این موارد باعث سرگشتگی شهروندان می‌شود، زیرا در جامعه‌ای زیست می‌کنند که همه چیز به‌طور عجیبی تغییر می‌کند و مفاهیم عشق، خانواده، جامعه و جزآن به سرعت عوض می‌شود. در نتیجه اینان عقیده‌ای ثابت ندارند و اساساً تعجب می‌کنند که چگونه می‌توان عقیده‌ای ثابت داشت. این بحران همه‌جانبه اندیشه‌ها و عواطف مردم را تا حدود زیادی به سوی شکاکیت، بی‌اطمینانی، استهزای انکارکننده و حتی هیچ‌باوری بکشاند که همگی از مؤلفه‌های پست‌مدرنیسم است.

### گفتمان فرهنگی

توجه به ابعاد فرهنگی یا چرخش فرهنگی یکی دیگر از وجوه گفتمان پست‌مدرن است. موضوعاتی مثل هویت‌های متکثر، سبک زندگی، تشریفات و مناسک، رسانه‌ها، فضای مجازی و جزآن جایگاه ویژه‌ای در این گفتمان دارد.

یکی دیگر از ریشه‌های پیدایی پست‌مدرن در ایران را می‌توان در تغییرات فرهنگی مشاهده

کرد. در پیمایشی که در زمینه تغییرات فرهنگی از نگاه شهروندان تهرانی به عمل آمده، از نظر پاسخگویان بیشترین تغییرات در حوزه‌هایی نظیر استفاده از کامپیوتر، اینترنت، تغییر در روابط دختر و پسر، نحوه آرایش زنان، پیروی از مدهای غربی و استفاده از ماهواره رخ داده است. در جامعه امروز ایران، گپ‌سراها یکی از پرطرفدارترین میدان‌های اینترنتی، شرایط جدیدی را پیرامون کاربران خود قرار داده و مرزهای تازه‌ای را در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هویت جوانان پدید آورده است (همان: ۱۱۴). برای نمونه، آمارها نشانگر این است که ایران در زمینه وبلاگ‌نویسی مقام بالایی را در میان سایر کشورها دارد. بررسی این وبلاگ‌ها ثابت می‌کند که در کشور ما، وبلاگ‌نویسی اساساً ریشه در تناقض‌های مغفول در فرهنگ رسمی دارد. وبلاگ امکان بیان افکاری را می‌دهد که در زندگی روزمره کتمان می‌شود، چرا که بیان آشکار آن اندیشه‌ها و باورهایی است که به انزوای فرد یا محرومیت او از برخی امتیازهای مدنی می‌انجامد (پاینده، ۱۳۹۰: ۳۷۱). مک‌کافری می‌نویسد: «البته، بسط و گسترش‌های دیگری نیز تا پیش از ۱۹۶۰ روی داده که بر پست‌مدرنیسم تأثیر گذاشته‌اند. از جمله مهم‌ترین آن‌ها، ظهور پرستاب سینما و تلویزیون به عنوان اشکال هنری اصلی بوده است» (مک‌کافری، ۱۳۸۱: ۳۶). تصادفی نیست که در ایران نیز تجربه‌گرایان پست‌مدرن، نخستین نسلی بودند که در دنیای تلویزیونی رشد کردند، چرا که امروزه شبکه‌های متعدد تلویزیونی تجربه‌هایی از فرهنگ مسلط را به خانه‌های انسان ایرانی آورده‌اند، به گونه‌ای که نتایج پیمایشی میدانی نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد پاسخگویان به طور مطلق و نسبی بر این باورند که بیشتر مردم علاقه‌مند به استفاده از برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای‌اند (تاجیک، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

نیرومندترین قدرتی که بر ورود این فرهنگ در ایران فشار وارد می‌آورد، تغییرات آماری و جمعیت کشور است. ایران برخلاف بیشتر کشورهای غربی دارای جمعیتی جوان است که طرز تفکر و آرزوهای آنان متعاقب جریان جهانی شدن، به شدت تحت تأثیر سبک و روال زندگی مغرب زمین است که آن را از طریق ماهواره‌ها جذب می‌کند و به کار می‌بندد. هر بازدیدکننده خارجی که قدم به درون ایران می‌نهد، اولین پدیده‌ای را که با چشم‌های خود می‌بیند، همین گرایش نسل جوان به مظاهر تمدن غرب است که در خیابان‌های امروز ایران مشهود است. محدودیت‌هایی که دولت برای جلوگیری از این اشتیاق وضع کرده است، جوانان به گونه‌ای علنی و بارز نادیده انگاشته‌اند. پسران جوان از مدهای غربی استفاده می‌کنند و دختران جوان به عمد حجاب خود را به عقب می‌کشند تا خود را در معرض دید دیگران قرار دهند. در خلوت همه دم از اصلاحات و مقررات دنیوی می‌زنند و بر آن اصرار می‌ورزند (هوارد، ۱۳۸۸: ۶). تمام

این موارد سبب بروز هویت‌های متکثر در وجود انسان می‌شود. به تعبیر شایگان «فضاهای سازنده ما، فضاهایی متنوع و ناهم‌گون‌اند. ما دیگر ریشه‌ای واحد نداریم که تک‌وتنها در سرزمین خاصی فرورفته باشد» (شایگان، ۱۳۸۰: ۲۰). انسان امروز تک‌هویتی نیست و دائم در سیر از این فرهنگ به آن فرهنگ است تا به تعبیر شایگان «هویت چهل‌تکه» ای را برای خود بسازد و این همان بحران هویتی است که در جهان حاکم شده است.

از مباحث فوق می‌توان نتیجه گرفت که ایران در این دهه‌ها سرشار از آشفتگی‌ها و بحران‌هایی بوده که جامعه ما را به فرهنگ پست‌مدرن نزدیک کرده است. از یک سو، مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متعددی چون بحران هویت، فقر، تورم، انحرافات و آشفتگی اجتماعی، کاهش وحدت اجتماعی، تفاخر و تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی و از جانب دیگر، تشدید و تراکم مسائل سیاسی چون شکاف‌های سیاسی، نارضایت‌مندی سیاسی و تحریم‌های گوناگون، جامعه ایران را در وضعیتی بحرانی قرار داده است. این ویژگی‌ها سبب سرگشتگی و آشفتگی مردم می‌شود، چرا که در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که همه چیز به طور فشرده‌ای تغییر می‌کند. در نتیجه این مردم عقیده و اندیشه‌ای ثابت ندارند. و این مسئله، همان عدم قطعیت، فروپاشی روایت کلان، نسبی‌اندیشی، تکثرگرایی و خردگرایی است که در فرهنگ پست‌مدرن مشاهده می‌شود.

### از گفتمان پست‌مدرن به سوی شعر پست‌مدرن

در مورد اینکه شعر پست‌مدرنیستی جریانی برآمده از تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران است یا صرفاً تحت تأثیر ترجمه و تقلید از نویسندگان غربی به ادبیات فارسی راه یافته است، اختلاف نظر وجود دارد. گروهی معتقدند که تجربه مدرنیته در ایران باید اتفاق بیفتد و جامعه این تجربه را از سر بگذراند تا پست‌مدرنیسم به طور طبیعی در ادامه آن رخ دهد. «اگر شعر پست‌مدرنیستی در غرب به دلیل ریشه داشتن در تحولات فلسفی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی آن از اصالت برخوردار است، اصل وجود آن در جوامع شرقی مانند جامعه ایران که هنوز دوران مدرنیته را تجربه نکرده است کمی نابه‌هنگام به نظر می‌رسد» (طاهری، ۱۳۸۴: ۳۱). دستغیب نیز در آغاز می‌نویسد: «بیشتر کسانی که به شیوه پست‌مدرن شعر می‌سرایند یا قصه می‌نویسند، پرشور و احساساتی هستند. اگر آگاهی‌هایی هم داشته باشند دقیق و عمیق نیست» (دستغیب، ۱۳۸۶: ۱۹۴). اما در مقابل برخی معتقدند که پست‌مدرنیسم یک جریان جهانی است و خواه ناخواه هر جامعه‌ای تحت تأثیر آن در وضعیت

پست‌مدرن به سر می‌برد و آثار و نشانه‌های آن در همه‌جا دیده می‌شود. از جمله دستغیب با تغییر نظر خود می‌نویسد: «به محض پیدایش رمان و شعر پست‌مدرن در دهه هفتاد در ایران، بدون سبب‌یابی به وجود آمدن آن‌ها و کندوکاو وضعیت ساخته شدن آن‌ها، آماج تیر طعن و قذح قرار گرفت و نگارنده این سطور نیز در این بدفهمی و داوری شتاب‌زده شرکت داشت! با این همه، به مدد کوشش نویسندگان، شاعران و مترجمانی مانند بابک احمدی، نوذری، باباچاهی و براهنی کم‌کم جنبش پسانوگرایی شناخته و شناسانده و فضای تازه‌ای در ادب معاصر ایران گشوده شد» (دستغیب، ۱۳۸۸: ۳۹). این گروه معتقدند که ایران نیز همراه با سراسر جهان در این سال‌ها بستر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاصی بوده که رویکرد پست‌مدرن را در آن ناگزیر ساخته است.

با استناد به مقدماتی که در بخش قبلی بیان شد، می‌توان ادعا کرد که فضای پست‌مدرنیستی در جامعه ما بروز کرده است و شعر پست‌مدرن ایران نیز تابعی از این گفتمان و بخشی از این فرایند محسوب می‌شود. گفتمانی که امروزه در سراسر جهان مطرح است و در مورد آن بحث می‌شود، به ما هم رسیده و نسخه‌ای دیگر از آن در ایران نوشته شده است، چرا که منشأهای این گفتمان‌ها در اینجا هم وجود دارد و آن چندصدایی و قطعه‌قطعه‌شدگی در فرهنگ ماست. برای مثال، آن دوره آرمان‌گرایی شدید گذشته که دوره‌ای از شعر و جامعه را در خود غرق ساخته بود، امروزه از طرف نسل ما به طنز گرفته شده است. این همان منشأ بالنده پست‌مدرن است که به نوعی در حرکت خلاق شعر و داستان ما وجود دارد و مسلماً زیربنایی داشته و نمی‌شود گفت این سرزمین دوره‌ای را طی نکرده یا ناقص طی کرده است. ما قطعه‌قطعه‌گی فرهنگی و حالت اسکیزوفرنی اجتماعی را نسبت به مقاطع مختلفی داریم که پشت سر گذاشته‌ایم. ما حالت شقه‌شقه‌شدگی را در مراحل مختلف رویدادهای اجتماعی از اول انقلاب، جنگ و بعد از جنگ تاکنون حس می‌کنیم (جمالی، ۱۳۸۲: ۱۸). با چنین نگرشی می‌توان به توجیه مؤلفه‌هایی چون کثرت‌گرایی، نسبی‌اندیشی، عدم قطعیت، تناقض، خردگریزی، اسکیزوفرنی، بازی‌های زبانی، چندصدایی و جزآن در اشعار پست‌مدرن پرداخت و آن را بیانگر وضعیت و دردهای جامعه و انسان امروز دانست. در ادامه به بررسی برخی از این مؤلفه‌ها در اشعار پست‌مدرنیسم فارسی می‌پردازیم.

## ۱. بی‌معنایی یا سیالیت معنا

در دهه‌های گذشته در تعارضی که بین شعر مدرن و پست‌مدرن پدید آمد، طرح مقولاتی

همچون چندصدایی و چند مرکزیتی، زبان در خدمت زبان، ستیز با استبداد محوری کار را عملاً به تعطیل معنا در شعر کشاند. رضا براهنی در این باره می‌نویسد: «مجبور نیستیم خودمان را به یک معنی ملزم کنیم، به هیچ یک از معنی‌ها... هستند شعرهایی که زیبا هستند و فاقد معنی! لذت در کلمات است و بدون تردید در زیر و بم کلمات، در آهنگ کلمات. و می‌افزاید: این شعرها فاقد معنا هستند، به طرز زیبایی، به شکل دل‌نشینی فاقد معنا هستند» (براهنی، ۱۳۷۸: ۱۳).

این عکس پاره پاره / با چشم‌های تیره و بعداً که رد پای تو / با دهن پیش از  
این و از این پس / که هر دقیقه اسم تو را / نه اصلاً / تو حق این که کارد بر  
گلولی کسی / یا مثل رودخانه‌ای که جسدهای کاغذی از دوردست / به دریا /  
در خواب هم اجازه نداری که سایه شمشیرت را / گیم ادای زندگی هست و /  
از این جور کارها... (باباچاهی، ۱۳۷۵: ۵۵)

شاعر قواعد معنایی را در هم می‌ریزد و صورت تازه‌ای می‌آورد که نه دیگر کلامی  
تثبیت شده و غایی، بلکه نوعی بازی است. یا در بند زیر از شعر براهنی:

- دستی شبیه پنجره با رگ‌های توری آوازی از تو را که در پرنده  
کشیده پرده بر چهره‌ای که یشم‌های شبکلاش نیز  
یک روز هم پدرم اینجا از روی برگ‌ها و برهنه بی‌آنکه با بهشت  
و میوه محبوب دندان‌هایم ماه با گازها که من از رویش (براهنی، ۱۳۷۴: ۸۷)

شاعر، شعر خود را از معناهای متکثر آفریده که از چندین فرهنگ سرچشمه گرفته‌اند. این  
سطرها با یکدیگر روابطی مبتنی بر تمسخر و منازعه برقرار می‌کنند.

## ۲. التقاط‌گرایی و شیزوفرنی

فردریک جیمسون دو نشانه را برای پسامدرنیسم معرفی می‌کند؛ گرایش به هنر التقاطی و  
شیزوفرنی (هاج، ۱۳۷۷: ۵۶). التقاط‌گرایی شعر به این معناست که شاعر پست‌مدرن به طور  
تصادفی و بدون اصول خاص اما با ذوق و سلیقه، همه سبک‌های گذشته را تکه‌تکه می‌کند و  
آن‌ها را در شکل‌های بسیار برانگیزنده ترکیب می‌کند.



روز هفتم/ اینجا آخر خط است/ گوشه پیاده‌روی که پاره شده / دبرو.../  
سقوط چیزی نیست که در مخاطب اتفاق بیفتد / هواپیماها / چند گریه  
عاشق نمی‌شوند! / چمدانی / که لباس‌های زیرت را قایم کرده است.../  
دبرو.../ حافظ از کوه‌های راکی / خودش را به بالا پرت کرده است»  
(موسوی، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

این حالت التقاط‌گرایی و اسکیزوفرنی یکی از ویژگی‌های مهم شعر پست‌مدرنیستی است؛ چرا که پسامدرنیسم بر آن است که روش‌های التقاطی، امکان دخالت تعبیر و تفسیرهای گوناگون را فراهم می‌آورد و پای‌واسازی اثر هنری را هم به قلمرو هنر باز می‌گشاید» (قره‌باغی، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

### ۳. عدم انسجام و پراکنده‌گویی

همچنان که پیش از این گذشت، شاعران پست‌مدرن عقیده دارند، جهان کنونی دارای انسجام و ثبات نیست. به همین دلیل در اشعار خود به پراکنده‌گویی می‌پردازند. «شعر آنان محصول مکث و تأمل عاطفی و احساسی بر عناصری پراکنده و بی‌شمار است که در زندگی امروزی، هر انسانی با آن روبه‌روست» (طاهری، ۱۳۸۴: ۲۰). برای مثال، در شعر زیر از باباچاهی عناصر پراکنده‌ای وجود دارد و دیگر از آن انسجام و توازن شعر مدرن خبری نیست.

- کلافه‌ای از آینه متلون که در تو تکثیر می‌شود

در هندوستان گاهی سوار فیل

ترجیح می‌دهی اینجا گاهی سوار شتر شطرنج هم بشوی

یکی پادرمیانی می‌کند این وسط/ می‌گذارد تو را وسط میز

تا در می‌زنند/ برمی‌چینند ترا همه را یک‌جا... (باباچاهی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

خود شاعر در توضیح این پراکنده‌گویی عقیده دارد: «چیزی که نصیب شعر امروز می‌شود نوعی شک معرفت‌شناختی به امور هستی است. این عدو (شک معرفت‌شناختی) اگر سبب خیر شود، شاعر مدرن ما اندکی طور دیگر فکر می‌کند. پس طور دیگر خواهد نوشت. بدین معنا که صورت و شکل هنری او نیز دچار تغییر خواهد شد. مثلاً وحدت ارگانیک یا تک‌هسته‌ای (مرکز) بودن شعرش تن به نوعی جابه‌جایی خواهد داد» (باباچاهی، ۱۳۸۲: ۸). این پراکنده‌گویی و مرکز‌گرایی در شعر زیر از رزا جمالی مشهودتر است:

از این به بعد/ سه‌چهار بار در روز سربکشید دوغ را در هر دروغ/ گریه را  
پهن کنید وسط سرتان سرریز/ سرزنید به سرفه‌های نیامده/ چرا فکر  
می‌کنم این خودکارهای آبی آبزنند/ از پله‌ها که سرازیر می‌شوم/ دست‌هایم  
را لنگه به لنگه/ می‌پوشم/ و دسته کلید آبی می‌شود (جمالی، ۱۳۷۷: ۲۸-  
۲۹).

#### ۴. شکست فراروایت‌ها

در گفتمان پست‌مدرن شکست فراروایت‌ها از مباحث اصلی است. عصر پسامدرن، عصر انحطاط روایت‌های کلان و بی‌اعتقادی به اصول ثابت است، چرا که دیگر این مفاهیم با تجزیه و تحلیل‌های انسان امروز سازگار نیست. این ویژگی به ادبیات پسامدرن هم راه یافته است، به گونه‌ای که یکی از عناصری که در شعر پست‌مدرن به چشم می‌خورد «شکست روایت» است؛ یعنی، دیگر ساختار خطی و روایی بر شعر حکم‌فرما نیست. موسوی در این‌باره عقیده دارد: «این نوع نگاه شاید بیشتر نشأت گرفته از نگاه خاص پست‌مدرن‌ها به مسئله زمان باشد؛ یعنی، وقتی ما دیگر زمان را به صورت یک حرکت خطی و دارای تقدم و تأخر نبینیم، بلکه آن را از بالا و به صورت یک کلیت پیوسته دارای جزءهای نامشخص و دارای ارزش یکسان ببینیم، دیگر حوادث سیر منطقی خود را طیر نمی‌کنند و ما می‌توانیم آینده را پیش از گذشته لمس کنیم» (موسوی، ۱۳۸۷: ۴).

- نظام هستی که تکوین یافت

گل و خشتی نیمه‌مذاب بودم

در عذاب بودم که چرا گریخته‌ام از کارگاه کوزه‌گری

شیطان/ شیر آب را تا ته باز کرد

سردم که شد از جا پریدم دیدم که بلد نیستم/ از یادم رفته (باباچاهی، ۱۳۹۰: ۲۵).

برخی از شاعران نیز، این رویکرد شکست فراروایت‌ها را در رابطه با سنت‌ها و قراردادهای ادبی و زبانی شعر اعمال می‌کنند. براهنی در این باره می‌گوید: «وقتی همه جملات دستوری است، زبان، زبانی است که از پیش، از چیزی دیگر، از تقدیری پیش از حدوث خود زبان شعر نیرو گرفته است... ساختار جمله از پیش تعیین تکلیف می‌کند. در حالی که شعر باید برای آن تعیین تکلیف کند. ساختار پیشین ملغی است. جمله و نحو جمله خودکامه شده‌اند یا باید آن را

کاملاً تازه کرد یا باید آن را شکست، طوری که فقط خاطره‌ای از آن در ذهن بقیه ساختارهای شعر باشد» (براهنی، ۱۳۷۸: ۱۸). به همین دلیل شاعران این جریان در قواعد نحوی و دستوری قدیم دست‌اندازی می‌کنند، فعل‌ها و واژه‌های جدید می‌سازند، ضمائر و حروف اضافه را به گونه‌ای دیگر به کار می‌گیرند و... همه این موارد از شگردهایی است که شاعران در شکست فراروایت‌ها انجام می‌دهند:

- عاشق‌تر از همی...

مثل همین تو که در هما...

شرا... (براهنی، ۱۳۷۴: ۵۱)

بدین ترتیب، مؤلفه‌های شعر پست‌مدرن با گفتمان حاکم بر جامعه ایرانی در تعامل قرار دارد. چنان که ملاحظه شد، گفتمان این نوع شعر در جامعه حاکم شد و به تبع آن، این ادبیات بروز کرد. بنابراین این نوع شعر برخاسته از فضا و ویژگی‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی است تا اینکه بگوییم برخاسته از نگاه سطحی و خواندن سطحی نظریه‌های ترجمه شده است. چرا که «آثار ادبی محصول تعامل تنش‌آمیز ذهنیت نویسنده با فرهنگ هستند. نگارش آثاری که نه از راه این تعامل، بلکه با گرت‌برداری از سبک نگارش نویسندگان فرهنگ‌هایی غیرقابل قیاس با فرهنگ ما نوشته می‌شوند، نمی‌تواند وظیفه اصلی ادبیات را که کارش نقادی درباره زندگی است، انجام دهد و لذا بی‌ثمر خواهد بود» (پاینده، ۱۳۸۸: ۱۱۲). البته، نگارندگان مدعی نیستند که این نوع شعر هیچ تأثیری از شعر و ادب غرب نپذیرفته، اما این تأثیرپذیری را نمی‌توان مساوی با تقلید صرف از شعر اروپایی دانست.

## نتیجه

پیدایش شعر پست‌مدرن به منزله یکی از جریان‌های شعری ایران از دهه هفتاد، با انتقاد بسیاری از پژوهشگران و ادیبان همراه شد. به نظر آنان جریان شعر پست‌مدرن غرب چون از دل تحولات فرهنگی و اجتماعی آنجا بروز کرد، در غرب دارای اصل و ریشه است اما در ایران، این ژانر نوپدید، نه محصول گفتمان اجتماعی و فرهنگی بلکه برآیند ترجمه و تقلید است. به همین دلیل این نوع شعر همواره مورد نقد تخطئه‌آمیز منتقدان بوده است.

در این جستار، با بهره‌گیری از نظریه گفتمان که به چرایی ایجاد متنی خاص در جامعه‌ای می‌پردازد، چرایی پیدایش این نوع شعر در ایران بررسی کرده‌ایم و این نتیجه حاصل شد که از دهه چهل به این سو، گفتمانی در جامعه ایران حاکم شد که شاخصه‌های اصلی آن تکثرگرایی،

نسبی‌اندیشی و عدم قطعیت بود. سپس، با بررسی شعر پست‌مدرن این نتیجه حاصل شد که این نوع شعر دارای ساختاری نامنسجم، تکثرگرا و چندمعناست. بدین ترتیب، ساختار شعر پست‌مدرن با گفتمانی که بر جامعه ایران در این چند دهه حاکم بوده است، تناسب دارد و می‌توان گفت آشنایی با گفتمان‌ها و چرایی‌های ایجاد این نوع اشعار، کلیدها و نشانه‌هایی را برای بازخوانی سروده‌های نوآیین و پیشرو به دست می‌دهد که از رهگذر آن‌ها می‌توان به شناخت درونی این سروده‌ها میانبر زد.

عواملی که به فشردگی - به مقتضای محدوده مقاله - بیان شد، به خوبی فرض ما را اثبات می‌کند که شعر پست‌مدرن به عنوان برآیند و فرایند، تا حد قابل ملاحظه‌ای، هماهنگ با شرایط گوناگون امروز ایران است. گرچه بسیار بدیهی است که به دلیل ارتباط گسترده فناورانه با جهان، به‌ویژه با دنیای غرب، به‌طور اجتناب‌ناپذیری از آن فضا نیز متأثر است. اما بیش از همه بر نظریه داوری صحه می‌نهد که پست‌مدرنیسم بیش از آنکه امری تمدنی باشد، پدیده‌ای فکری است و گاه آن است که از ساده کردن موضوع و انتساب آن به خارج از مرزهای ایران پرهیز گردد تا رویکردی به این وسعت و اهمیت در همه عرصه‌هایش مجال تحلیل علمی و عمیق بیابد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. فدرستون درباره عدم ثبات معنایی این واژه می‌نویسد: «این واژه بی‌معناست. هر زمان که امکان داشت یا هر وقت که دوست داشتید، می‌توانید از آن استفاده کنید» (Featherstone, 1998: 195). برای اطلاعات بیشتر پیرامون معانی گوناگون و متضاد پست‌مدرن: رک: همان: ۱۹۴-۱۹۷.
۲. برای مثال ضیمران می‌گوید: «من اعتقاد دارم نه مدرنیته و نه پست‌مدرن در ایران جا نیفتاده و صرفاً یک نوع از مدرنیته ابتر در ایران حاکم است» (ضیمران، ۱۳۸۱: ۳۵).
۳. داوری در پاسخ این سؤال که آیا می‌توان از موقعیت پست‌مدرن سخن گفت بی‌آنکه تمام شئون مدرنیته محقق شده باشد؟ می‌نویسد: «اگر مسئله رسیدن به وضع تمدنی پست‌مدرن و مثلاً آخرین مراتب تکنیک و تکنولوژیک است، بدیهی است که تا مدرنیته حاصل نشده باشد، نمی‌توان به دوران پست‌مدرن وارد شد... اما پست‌مدرن یک امر صرفاً تمدنی نیست بلکه یک وضع فکری و تاریخی است. به عبارت دیگر مسئله، مسئله واقعیت مادی پست‌مدرن نیست. پست‌مدرن بیشتر در تفکر و در روحیه مردمان ظاهر شده است» (داوری، ۱۳۷۵: ۱۰۵).

۴. برای اطلاعات بیشتر پیرامون هم‌خوانی اندیشه‌های شریعتی و متفکران پست‌مدرنیسم: رک: قانع‌راد: ۱۳۸۱.
۵. درجی در مقاله «پست‌مدرنیسم و تبادل فرهنگ‌ها» سنت و مدرنیته را مخالف تبادل فرهنگی دانسته و تحقق گفتگو و تبادل فرهنگی را منحصر در تفکر پست‌مدرنیته ممکن می‌داند. برای اطلاعات بیشتر: رک: درجی، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۷.

## منابع

۱. آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۶)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، مجله‌ی ادب‌پژوهی، شماره اول، صص ۱۷-۲۷.
۲. احمدی، بابک (۱۳۸۹)، مدرنیته و اندیشه انتقادی، چاپ هشتم، تهران: مرکز.
۳. امیری، جهاندار (۱۳۸۶)، اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و پدرخوانده‌ها، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. باباچاهی، علی (۱۳۷۵)، نم نم بارانم، چاپ اول، تهران: نشر داریوش.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، پیکاسو در آب‌های خلیج فارس، چاپ دوم، تهران: ثالث.
۶. براهنی، رضا (۱۳۷۴)، خطاب به پروانه‌ها، تهران: مرکز.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، «چگونه پاره‌ای از شعرهایم را گفتم»، بایا، ش ۱ و ۲، صص: ۱۲-۱۹.
۸. بشیر، حسن (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۹. پاینده، حسین (۱۳۸۸)، نقد ادبی و دموکراسی؛ جستارهایی در نظریه و نقد ادبی، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، گفتمان نقد؛ مقالاتی در نقد ادبی، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، داستان کوتاه در ایران، جلد ۳، داستان‌های پسامدرن، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
۱۲. پدram، مسعود (۱۳۸۲)، روشنفکران دینی و مدرنیته پس از انقلاب، چاپ اول، تهران: گام‌نو.
۱۳. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، جامعه‌ای امن در گفتمان خاتمی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، صدای پای آینده؛ دهه چهارم و آینده‌های جامعه‌ی ایرانی، تهران: فرهنگ گفتمان.
۱۵. جاوید، محمدجواد (۱۳۸۵)، «جمهوری اسلامی ایران و پست‌مدرنیسم»، فصلنامه دانش سیاسی، ش ۳، صص: ۵۹-۸۳.

۱۶. جمالی، رزا (۱۳۷۷)، این مرده سیب نیست یا خیار است یا گلابی، چاپ اول، تهران: ویستار.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، شعر دهه‌ی ۷۰ در گفتگو با منتقدان و شاعران، مجله جهان کتاب، ش ۱۶۹، صص: ۱۶-۲۳.
۱۸. جهانگلو، رامین (۱۳۷۲)، ایران امروز؛ سنت، مدرنیته یا پست‌مدرن، مجله‌ی کیان، ش ۱۵، صص: ۲-۱۵.
۱۹. جیمسون، فردریک (۱۳۸۹)، پست‌مدرنیسم؛ منطق فرهنگی سرمایه‌داری متأخر، ترجمه‌ی مجید محمدی و دیگران، تهران: هرمس.
۲۰. داوری، رضا (۱۳۷۵)، سنت، مدرنیته، پست‌مدرن؛ گفتگو با اکبر گنجی، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۲۱. درجی، فربرز (۱۳۸۲)، «پست‌مدرنیسم و تبادل فرهنگ‌ها»، مجله‌ی بازتاب اندیشه، ش ۴۷، صص: ۴۲-۴۷.
۲۲. دستغیب، عبدالعلی (۱۳۸۶)، مدرن و پسامدرن، چاپ اول، تهران: مرغ آمین.
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، «پست‌مدرنیسم در شعرهای باباچاهی»، مجله‌ی جهان کتاب، شماره‌ی ۳، صص: ۳۸-۴۳.
۲۴. زرشناس، شهریار (۱۳۸۱)، «پست‌مدرنیسم در فلسفه و ادبیات»، ادبیات داستانی، ش ۶۱، صص: ۶-۷.
۲۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۱)، قبض و بسط تئوریک شریعت، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۲۶. شایگان، داریوش (۱۳۸۰)، افسون‌زدگی جدید؛ هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: فرزاد.
۲۷. ضمیران، محمد (۱۳۸۱)، «پست‌مدرنیسم جریانی که به تاریخ پیوست»، مجله‌ی آزما، ش هفدهم، صص: ۳۵-۳۸.
۲۸. طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۴)، «پست‌مدرنیسم و شعر معاصر ایران»، مجله‌ی پژوهش‌های ادبی، ش ۸، صص: ۲۹-۵۰.
۲۹. عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۵)، «نقدی بر قرائت پست‌مدرن از اندیشه‌های شریعتی»، دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، دوره دوم، ش ۴۶، صص: ۶۱-۸۰.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، «چند پرسش درباره‌ی پست‌مدرنیسم ایرانی»  
<http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=22760.02/06/2011>.
۳۱. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

۳۲. قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۱)، *تبارشناسی عقلانیت مدرن*؛ قرائتی پست‌مدرن از اندیشه‌های دکتر علی شریعتی، تهران: نقد فرهنگ.
۳۳. قبادزاده، ناصر (۱۳۸۱)، *روایتی آسیب‌شناختی از گسست نظام و مردم در دهه دوم انقلاب*، تهران: فرهنگ گفتمان.
۳۴. قره‌باغی، علی‌اصغر (۱۳۸۰)، *تبارشناسی پست‌مدرنیسم*، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۵. کاویانی، حمید (۱۳۷۸)، *رمز پیروزی یک رئیس‌جمهور*، چاپ دوم، تهران: مدرسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر.
۳۶. مک‌کافری، لری (۱۳۸۱)، *ادبیات پست‌مدرن*، تدوین و ترجمه‌ی پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
۳۷. موسوی، مهدی (۱۳۸۲)، *فرشته‌ها خودکشی کرده‌اند*، چاپ اول، ایران: مولف زیرزمینی.
۳۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، «*شناسه‌های غزل پست‌مدرن*»، *مجله اینترنتی آدم‌برفی‌ها*، ۱۳۹۱/۰۵/۱۸.
۳۹. نش، کیت (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهان شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۴۰. نصری، قدیر (۱۳۸۵)، «*پست‌مدرنیسم و مطالعات راهبردی*»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال نهم، ش اول، صص: ۷-۳۰.
۴۱. نوذری، حسین‌علی (۱۳۷۹)، *پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم*، تهران: انتشارات نقش جهان.
۴۲. وندایک، تئون‌ای (۱۳۸۲)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، ترجمه تژا میرفخرایی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۴۳. هاج، یوانا (۱۳۷۷)، *فمینیسم و پست‌مدرنیته*، *مجله‌ی فارابی*، ش ۲۹، صص: ۵۲-۶۷.
۴۴. هوارد، راجر (۱۳۸۲)، *ایران در بحران*، ترجمه‌ی مهوش خدابخشیان، بی‌جا.
45. Brown, G and Yule, G (1983), **Discourse Analysis**, Cambridge: Cambridge University Press.
46. Featherstone, Mike (1998), **In Pursuit Of The Postmodern**, Theory, culture And Society, Vol.5.Nos2-3, p: 194-208.
47. Fekete, John (1987), **Life After Postmodernism Essays On Value And Culture**, Canada: New World Perspectives Montral.
48. Goulby, D and Janes, C (1996), **Post-modernity Education and European Identities comparative**
49. Hutcheon, Linda (2002), **The Politics of Postmodernism**, London and New York: Routledge.